

مقایسه ساختاری عاشقانه‌های زرین‌قبا‌نامه و شاهنامه

۱- علی‌رضا باقری ۲- محمود حسن‌آبادی ۳- محمدعلی محمودی

چکیده

در تقسیم‌بندی انواع ادبی اگرچه بعضی متون در زمره ادب حماسی قرار می‌گیرند، اما گاه از جنبه‌های غنایی نیز خالی نیستند و چه بسا بخش‌های غنایی این گونه آثار در کلیت داستان، نقشی کلیدی دارند؛ مانند داستان‌های عاشقانه شاهنامه فردوسی که بر اساس نظر محققان، ساختاری ویژه و متفاوت با داستان‌های عاشقانه غیر حماسی دارد. در این تحقیق با روش تحلیل سنجشی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، ویژگی‌ها و ساختار داستان‌های عاشقانه زرین‌قبا‌نامه که در واقع نوعی داستان شهسواری و پهلوانی است، با موارد مشابه در شاهنامه فردوسی، مقایسه می‌شود تا به این سوال اصلی پاسخ داده شود که با وجود تشابهات احتمالی، چه تفاوت‌هایی در ساختار این گونه داستان‌ها وجود دارد؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که داستان‌های عاشقانه زرین‌قبا‌نامه، اگرچه در موضوع شروع داستان با شکار، دیگر تباری معشوق و استقلال دختر در تصمیم‌گیری برای ازدواج، با عاشقانه‌های شاهنامه شباهت‌هایی دارد، اما در نحوه آشنایی و عاشقی، شخصیت یاریگر، اظهار خاکساری و ... با آن متفاوت است که شاید به دلیل تفاوت بنیادین داستان‌های حماسی و داستان‌های عیاری و پهلوانی باشد.

کلید واژه‌ها: ادبیات غنایی، ساختار داستان، زرین‌قبا‌نامه

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

Email:mahmoud.hassanabadi@liho.usb.ac.ir

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

۱- مقدمه

در بین آثار مکتوب ادب فارسی، داستان‌های مثنوی یا منظومی با مضامین عیاری و پهلوانی وجود دارند که از ادبیات شفاهی و عامه برآمده‌اند. این آثار اگرچه از بعضی جهات شباهت‌هایی با حماسه دارند لیکن به دلیل تفاوت‌های اساسی با آن، صاحب‌نظران از آنها با عناوینی مانند «رمانس»، «رمان شهبازی و قهرمانی» و «افسانه» یاد می‌کنند (ن ک: درّی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷) البته ایشان برای اینگونه داستان‌ها عنوان «نقالی‌های مکتوب» را پیشنهاد می‌دهند (همان: ۳۳) «آثار عامیانه (منظوم و مثنوی) روزگار صفویان و بعد از آن، بیشتر آفریده خیال داستان‌گزاران این دوره غالباً بدون سابقه مکتوب و کهن است و به لحاظ بیانی خصوصیات سبک نقالی در آنها آشکارا نمایان است حتی اگر موضوع منظومه‌ها پهلوانی باشد و در زبان از شاهنامه تقلید بکنند. زرین‌قبا‌نامه یکی از این منظومه‌های پهلوانی نقالی - عامیانه دوره صفوی است» (آیدنلو، ۱۳۹۳: ۳۷ مقدمه). این منظومه که سراینده آن مشخص نیست برای نخستین بار با مقدمه و تصحیح سجاد آیدنلو در سال ۱۳۹۳ توسط انتشارات سخن منتشر شده است. زرین‌قبا‌نامه شرح وقایعی است که با آمدن زرین‌قبا از سوی حضرت سلیمان به دربار ایران برای گسترش دین خدا آغاز می‌شود. او که از نوادگان رستم است پس از اینکه از جهان پهلوان شکست می‌خورد، هویتش را آشکار می‌کند. این داستان‌ها اگرچه از جهاتی با حماسه اشتراکاتی دارند اما «لازمه یک منظومه حماسی تنها جنگ و خونریزی نیست بلکه منظومه حماسی کامل دارای این ویژگی است که در عین توصیف پهلوانی‌ها و مردانگی‌های یک قوم یا ملت، نمایانگر عقاید و آراء و تمدن آن نیز باشد و این خصوصیتی است که در تمام منظومه‌های معروف جهان موجود است» (رزمجو، ۱۳۷۰: ۵۵). سیروس شمیسا تفاوت‌های رمانس با حماسه را، عدم بنیاد اساطیری اعمال پهلوانی، عدم ارتباط با تاریخ ملی قوم، شکست‌ناپذیری و غیر واقعی بودن قهرمان رمانس، نقش سرگرم‌کننده و عدم جدیت آن می‌داند (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۲۳). در زرین‌قبا‌نامه سه داستان عاشقانه وجود دارد. داستان‌های «زرین‌قبا و مهرناز»، «گردیاقوت‌پوش (گرشسب ثانی) و حورانه» و داستان «کریمان و مهر زرین‌نقاب». البته ماجرای عاشقانه بیژن و گلندام چینی را از آن جهت که به صورت کوتاه در ضمن داستان عاشقانه زرین‌قبا و مهرناز آمده است، تابعی از آن در نظر گرفته‌ایم. از آنجا که تمامی این داستان‌ها مربوط به پهلوانان خاندان جهان‌پهلوانی و فرزندان رستمند، در مقایسه با عاشقانه‌های شاهنامه فردوسی نیز توجه ویژه بر داستان‌های زال و رودابه و رستم و ته‌مینا بوده است.

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

داستان‌های عاشقانه در متون حماسی به عنوان گونه‌ای ویژه که عرصه درهم‌تنیدگی عناصر غنایی و حماسی را فراهم آورده‌اند دارای اهمیت می‌باشند. بررسی این گونه عاشقانه‌ها علاوه بر اینکه شناخت دقیق‌تر آثار ادبی را در پی دارد باعث توسعه گونه‌شناسی انواع ادبی و شناخت چگونگی ارتباط و تلفیقشان می‌شود. مساله تحقیق حاضر پاسخ به این سوالات است که ۱- چرا در عین تشابه، در ساختار داستان‌های عاشقانه زرین‌قبا نامه و شاهنامه تفاوت‌هایی وجود دارد؟ ۲- این تفاوت‌های ساختاری چه هستند؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف تحقیق بررسی و استخراج مهمترین ویژگی‌ها در ساختار داستان‌های عاشقانه زرین‌قبانامه و مقایسه آنها با داستان‌های مشابه در شاهنامه است. از آنجا که زرین‌قبانامه در مجموع یک اثر پهلوانی است و عاشقانه‌های این اثر نیز بخشی از سرگذشت پهلوانانی از خاندان سام می باشد ولی تا کنون پژوهشی در خصوص آن انجام نشده است. لذا پرداختن به این موضوع با توجه به تحقیقات ارزشمندی که در ارتباط با عاشقانه‌های شاهنامه صورت گرفته است، ضرورت دارد.

۱-۳- روش تفصیلی تحقیق

این پژوهش با روش تحلیل مقایسه‌ای و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. با توجه به اینکه ویژگی‌ها و ساختار عاشقانه‌های شاهنامه فردوسی، پیش از این مورد توجه محققان بوده است، برای پرهیز از تکرار و آوردن شواهد مکرر، ضمن بررسی ویژگی‌ها و ساختار داستان‌های مورد نظر در زرین‌قبانامه، به موارد مشترک بین دو اثر پرداخته شده است.

۱-۴- پیشینه تحقیق

در زمینه داستان‌های شاهنامه تحقیقاتی انجام شده است که کمابیش به مؤلفه‌های مشابهی در ساختار این داستان‌ها پرداخته شده است. قدمعلی سرامی (۱۳۸۴) در کتاب گل تا رنج خار عاشق شدن از راه گوش، عشق در اولین نگاه، فرار دلدادگان، عیارانه به ملاقات معشوق رفتن، و نقش دایگان و پرستندگان در به هم رساندن عاشق و معشوق را از جمله سازه‌های داستان‌های شاهنامه بیان کرده است. ابراهیم استاجی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان ساختار داستان‌های عاشقانه-حماسی، به بررسی ساختار داستان‌های عاشقانه شاهنامه پرداخته است. او علاوه بر موارد فوق مواردی چون: وفاداری متن به ساختار کلی اثر، وزن و بحر عروضی

اشعار، هدفدار بودن، نقش زنان در ماجرای عاشقانه را مورد توجه قرار داده است. احمد سنچولی (۱۳۹۴) ساختار داستان زال و رودابه را با تکیه بر جنبه های غنایی مورد بررسی قرار داده است. وی علاوه بر پرداختن به بعضی جنبه های شکلی داستان به ساختار بلاغی آن نیز توجه داشته است. زینب عرب‌نژاد و اسحاق طغیانی (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان «ریخت‌شناسی داستان‌های عاشقانه شاهنامه» تاثیر ژانر حماسه بر این نوع داستان‌ها را بررسی کرده‌اند و به مقایسه اجمالی آنها با داستان‌های صرفا غنایی پرداخته‌اند. «بررسی عشق در دنیای حماسه با نگاهی به شاهنامه» مقاله ای است از حسین حسن‌رضایی و عبدالرضا سیف که نتیجه گرفته‌اند، عشق در دنیای حماسه حد وسطی است میان عشق در دنیای اساطیر با عشق در دوره تاریخی. خاور قربانی و کیوان گورک (۱۳۹۲) در مقاله «ریخت‌شناسی داستان زال و رودابه، بهرام گور و اسپینود، گشتاسب و کتایون» به اشتراکات و تفاوت‌های ساختاری این داستان‌ها در شاهنامه فردوسی پرداخته‌اند. درباره زرین‌قبانامه سجاد آیدنلو تحقیقات ارزشمندی انجام داده‌است که بخشی از آن در مقدمه کتاب آورده شده‌است. همچنین لازم است از دو مقاله ایشان با عناوین «زرین‌قبانامه منظومه پهلوانی ناشناخته» (۱۳۹۳) و «برخی نکات و بن‌مایه‌های داستانی منظومه پهلوانی-عامیانه زرین‌قبانامه» (۱۳۹۲) یاد شود اما در ارتباط با ویژگی‌ها و ساختار عاشقانه‌های زرین‌قبانامه تا آنجا که جستجو شد پژوهشی انجام نشده است.

۲- عاشقانه‌های زرین‌قبانامه

۲-۱- زرین‌قبا و مهرناز

زرین‌قبا همراه کللال پری و دوصد تن از اهریمنان به شکار گور می‌روند. به بیشه‌ای می‌رسند که در آن ورودگاه مهرناز، دختر خاقان چین برپا شده بود. زرین‌قبا مهرناز را می‌بیند و دل به او می‌بازد. مهرناز که درمی‌یابد کسی دزدانه مجلس بزمشان را می‌نگرد، افرادش را در پی مهمان ناخوانده می‌فرستد. زرین‌قبا با وساطت کللال پری نزد مهرناز راه می‌یابد و جویای نامش می‌شود. مهرناز می‌گوید افشای نام و نشانش در گرو آشکار شدن هویت زرین‌قبا است اما زرین‌قبا که از نوادگان رستم است از سوی سلیمان ماموریت دارد تا با ایرانیان مبارزه کند و آنها را به انقیاد پیامبر درآورد. او بنا به دستور سلیمان تنها درمقابل پهلوانی که شکستش دهد هویتش را آشکار خواهد کرد. ایرانیان رستم را هم‌اوردش می‌دانند و رستم نیز به دستور کیخسرو برای پس‌گرفتن جام گیتی‌نمای شاه و نگین سلیمان به نبرد صخره‌دیو رفته است.

شاعر پس از بیان این دیدار به ماجراهای دیگری می‌پردازد که ارتباط چندانی با این داستان ندارد. در ادامه در نبردی که بین خاقان چین و ایرانیان رخ می‌دهد خاقان به اسارت ایرانیان درمی‌آید و بیژن که به شدت مجروح و بی‌هوش شده است سر از اردوگاه مهرناز درمی‌آورد. مهرناز ماجرای دلدادگی‌اش به زرین‌قبا و پیمان ازدواجی را که بسته‌اند به او می‌گوید. بیژن مهرناز را به فراخواندن زرین‌قبا برمی‌انگیزد و از سویی با ساقی مهرناز که دل در گرو بیژن دارد درساخته و دو دل‌داده را با خوراندن دارو بی‌هوش می‌کند و نزد کیخسرو می‌برد. حضور زرین‌قبا در دربار کیخسرو باعث کاستن از تنش می‌شود و در بازگشت، زرین‌قبا زمینه ازدواج بیژن و گلندام چینی را فراهم می‌کند (با تلخیص از زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳)

۲-۲-۲- گرد یاقوت پوش و حورانه

گرد یاقوت‌پوش یا همان گرشسب ثانی در پی نبرد برای به دست آوردن گنج طلسم کهمران، زخمی و بی‌هوش می‌شود. وقتی به هوش می‌آید خودش را در اردوگاه حورانه دختر حمیران، پادشاه عرب می‌یابد. او خود را تاجری معرفی می‌کند که در سفری تجاری، کهیلان عادی و مه‌راس عاد به کاروانش حمله و اموالش را غارت کرده‌اند و او زخمی شده، از دستشان گریخته است. حورانه گرشسب را از رفتن حمیران به ایران برای گرفتن انتقام خون پدرش از کیخسرو باخبر می‌کند. او می‌گوید من نیز برای نبرد با دختر رستم آمده‌ام و هر کدام از نبیره‌های رستم مرا شکست دهد با وی ازدواج خواهم کرد. در ادامه این دو با هم کشتی می‌گیرند و گرشسب بر حورانه چیره می‌شود. در همین هنگام پهلوانانی که در جستجوی گرشسب بودند از راه می‌رسند و هویتش برای حورانه آشکار می‌شود. گرشسب حورانه را بدرود می‌گوید و به اردوگاه خود بازمی‌گردد. اما پس از مدتی دوباره برای دیدن حورانه به اردوگاهش می‌رود. حمیران در ظاهر با دخترش از در دوستی درآمده ولی به کنیزی دستور می‌دهد تا کار گرشسب را در خواب بسازد. کنیز که دل به گرشسب باخته است راز را آشکار می‌کند و گرشسب و حورانه به ایران می‌گریزند. (با تلخیص از زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳)

۲-۳- کریمان و مهر زرین‌نقاب:

کریمان پس از چیره شدن بر قهرش دیو، از هوش می‌رود. وقتی چشم می‌گشاید روبرویش بیشه‌ای خرم می‌بیند که زیبارویانی در آن به جشن و شادی مشغولند و در آن میان، پریزاده‌ای بر تختی زرین‌نشسته است. زیبایی پریزاده کریمان را شیفته می‌کند و دل به او می‌بازد. دختر

پری می‌گوید انکوس دیو قصد کشتن کریمان را داشته است و آنها وی را نجات داده و به اردوگاه خویش آورده‌اند. دختر پری که مهر زرین‌نقاب نام دارد دل به کریمان می‌دهد اما می‌گوید چنانچه واقعا کریمان در ابراز علاقه‌اش صادق است، او را از پدرش خواستگاری کند و ناگهان ناپدید می‌شود. کریمان به کمک رستم نشان معشوق را می‌یابد. رستم او را از پدرش خواستگاری می‌کند و او نیز می‌پذیرد. (با تلخیص از زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳)

۳- تحلیل و بررسی مقایسه‌ای ساختار داستان‌ها

۳-۱- عشق و شکار

داستان زرین‌قبا با ماجرای به شکار رفتن عاشق آغاز می‌شود.

از آنسوی آن گرد زرین‌قبا‌ی
سوی صید گوران همی‌کرد رای

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۴۵۵)

به نظر می‌رسد شکار پهلوانان با رابطه‌ی عاشقانه و ازدواجشان بی‌ارتباط نیست. در شاهنامه وقتی به زال خبر می‌دهند که پرستندگان رودابه به گل چیدن آمده‌اند زال تیر و کمان می‌خواهد و پرنده‌ای را شکار می‌کند و پرنده نزدیک پرستندگان رودابه به زمین می‌افتد. رستم نیز به شکار رفته است که ماجرای گم شدن رخس و آشنایی با ته‌مین پیش می‌آید. داستان عاشقانه بیژن نیز با شکار گرازان آغاز می‌شود. شکار کردن با ارتباط ضمنی که با تصاحب کردن و چیره شدن بر شکار دارد، می‌تواند تصویری رمزی از ازدواج پهلوان باشد همچنانکه «شکار برای فراغته، آزمون ارزشها و نشانه‌ی بقای جوانی بود» (شوالیه، ۱۳۸۵: ۷۴). این نکته در گفتار گرشب ثانی به حورانه وقتی که قرار است با هم کشتی بگیرند آشکار است.

وگر من شوم بر تو در رزم چیر
تو گوری و من همچو درنده شیر

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۹۷۸)

توصیف شاعر از کریمان هنگامی که مهر زرین‌نقاب را جستجو می‌کند و همانندسازی او و معشوقش با شیر و شکار بیانگر مقارنت و تناسب مفهوم یارجویی با شکار است.

کریمان برون آمد از گرد تار
چو شیری که گم کرده باشد شکار

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۴۸۲)

زمینه‌ی ورود بیژن زرین‌قبانامه به اردوگاه مهرناز و عاشق شدن ساقی مهرناز به او نیز با شکار پیوند خورده است. به گفته‌ی مهرناز، افرادی که شکار رفته بودند که تن بی‌رمق بیژن را یافته‌اند.

...تکاور به هر سو ز بهر شکار

بدیدند افتاده در جویبار

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۵۳۳)

۲-۳- دیگر تباری معشوق

در شاهنامه بیشتر پهلوانان بزرگ و گاه شاهان به بیگانگان دل می‌بازند. زنان، «با توجه به اهمیت ازدواج برون‌گروهی در شاهنامه و بازگشت نژاد و نسب فرزند به خاندان پدر و نه مادر، اغلب غیر خودی و بیگانه‌اند» (استاجی، ۱۳۹۰: ۱۱). در شاهنامه نه تنها دیگر تباری رودابه مطرح است بلکه شاهد نوعی تقابل و تضادی عمیق بین دو خاندان هستیم که فردوسی آن را با توصیفاتی چون «آب و آتش» و «زهر و نوش» به تصویر کشیده است. (ن ک: شاهنامه، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۲۱ و ۱۱۸) «آنچه این تضاد و تضادهای دیگر میان این دو را از میان برمی‌دارد عشق است که به عنوان عاملی گره‌گشا در تمامی موارد حضور خود را اعلام می‌دارد. عشقی جسورانه و پرشور و برهم‌زننده هنجارها و سنن قومی میان دو تن از دو قوم متفاوت» (سنجولی، ۱۳۹۴: ۱۹۴). «برخلاف مردان همه زنان بیگانه که با ایرانی پیوند برقراری کنند از صفات عالی برخوردارند (بغیر از سودابه) اینان چون به ایران می‌پیوندند یکباره از کشور خود می‌برند و از دل و جان ایرانی می‌شوند و جانب نیکی را که جانب ایران است می‌گیرند (اسلامی ندوشن، ۱۳۹۱: ۱۱۳-۱۱۴). در زرین‌قبانامه نیز با اینکه زرین‌قبا از نوادگان رستم است دل به دختر خاقان چین می‌بازد.

پدر هست خاقان زرین‌کلاه که تاجش همی راز گوید به ماه
(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۵۲۸)

ساقی مهرناز که دل به بیژن می‌بازد غیر ایرانی و چنانکه از نامش نیز آشکار است چینی است.
پری‌وش بتی بود همراه ماه که بد ساقی آن مه در آن بارگاه...
گلندام چینی ورا نام بود یکی ماه بی مهر خودکام بود
(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۵۳۵-۵۳۶)

معشوق گرد یاقوت‌پوش دختر حمیران، شاه عرب است که تبار غیر ایرانی دارد. علاوه بر این به هم‌نژادی او با ضحاک نیز تاکید شده است. که تداعی‌کننده تقابل و تضاد بین خاندان زال و رودابه در شاهنامه است.

حمیران بود پادشاه عرب به ضحاک تازی رساند نسب

منم دخت آن شهریار جوان
ندارم به مردانگی توامان
(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۹۷۵)

مهر زرین نقاب، معشوقه کریمان، شهرش را در مشرق زمین، کنار بحر اخضر و در دامان
کوهی سیاه توصیف می‌کند.

بگفتا به مشرق زمین شهر ماست
همه راه پر دیو و نر ازدهاست
بود بحر اخضر در آن جایگاه
یکی کوه باشد در آنجا سیاه
(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۴۸۰)

موقعیت بحر اخضر با اوصافی ویژه، محیط بر عالم و پیرامون کوه قاف بیان شده است (ن.ک: مجمل‌التواریخ والقصص، ۱۳۱۸: ۴۷۱). ازدواج پهلوانان خاندان سام با دختران بیگانه مقدمه و نماد تسلط ایشان بر رقیب است. با این تفاوت که این برتری برخلاف شاهنامه که بار سیاسی آن پررنگ‌تر است، در زرین‌قبانامه وجهه دینی دارد و حمیران، پادشاه عرب و خاقان چین در نهایت آیین مورد تایید زرین‌قبا که دین سلیمان است را می‌پذیرند. از آنجا که «داستان‌های رستم و اکوان دیو و بیژن و منیژه به طور نمادین از دست رفتن تدریجی تسلط و توانایی افراسیاب را روایت می‌کنند» (امیدسالار، ۱۳۹۶: ۲۲۶)، این برتری بر بیگانگان با داستان بیژن در شاهنامه نیز قابل مقایسه است.

۳-۳- نحوه آشنایی

زمینه آشنایی در عاشقانه‌های زرین‌قبانامه مبتنی بر این طرح است که مرد در نبرد با دشمنانش به شدت زخمی شده و بی‌هوش می‌شود. افراد مرتبط با دختر که معمولاً از خاندان‌های مخالف و رودرروی مرد هستند او را بی‌هوش یافته و به درمانش می‌پردازند. مرد در اردوگاه دختر به او دل می‌بازد و پس از ازدواج به سرزمین مرد می‌روند. البته ماجرای زرین‌قبا و مهرناز در آغاز قدری متفاوت است. بدین ترتیب که زرین‌قبا به شکار رفته است که سر از اردوگاه دختر خاقان چین در می‌آورد. شروع آشنایی در محل اقامت دختر که معمولاً هم از اقوام بیگانه است، به عاشقانه‌های شاهنامه شباهت دارد. «رویدادها و ماجراهای عاشقانه و نیز ازدواج‌های شاهنامه به ویژه در بخش پهلوانی بدون استثنا همگی در سرزمین بیگانه که معمولاً سرزمین معشوق یا زن است اتفاق می‌افتد» (استاجی، ۱۳۹۰: ۱۳). همچنین در شاهنامه نیز گاه زن به کشور مرد می‌آید مانند داستان بیژن.

۱-۳-۳- عاشق شدن از طریق دیدن

«در داستان زال و رودابه این ماجرا با شنیدن وصف معشوق آغاز می‌شود این مسئله یکی از جنبه‌های سنتی عشق است که در داستان‌های شرقی زیاد دیده می‌شود و آن را باید از زمره مبالغات داستانی و از عوامل هیجان‌افزای آن دانست» (سنجولی، ۱۳۹۴: ۱۹۳) بر خلاف پهلوانان ردیف اول شاهنامه که معمولاً از راه گوش و با شنیدن اوصاف طرف مقابل، عاشق می‌شوند، زرین‌قبا با یک نگاه عاشق مهرناز شد.

چه زرین‌قبا روی آن ماه دید
شد از مهر لرزنده مانند بید
چنان شد که گفتی ندارد روان
رخ ارغوانی شده زعفران
(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۴۵۶)

افراد مهرناز بیژن را بی‌هوش می‌یابند و او را به اردوگاه می‌برند در مجلس مهرناز، گلندام وی را می‌بیند و دل به او می‌بازد. پیش از آن هیچ مطلبی که نشان دهد گلندام چینی توصیف بیژن را شنیده باشد تا به او دل ببازد مشاهده نمی‌شود. حورانه و گرد یاقوت‌پوش (گرشسب ثانی) هم مانند کریمان و مهر زرین‌نقاب (زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۴۷۸) با دیدن همدیگر، عاشق می‌شوند.

چه دید آنچنان گرد یاقوت پوش
دل دردمندش درآمد به جوش
(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۹۷۳)

از آنجاکه «اعمال پهلوانی بنیادهای اساطیری دارد، اما در رمانس اعمال بیشتر غیرواقعی می‌نماید» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۲۳)، شاید اسطوره‌وارگی و شهرت فراگیر شخصیت‌های نمادین زال و رستم باعث آن شده است تا در عاشقانه‌های مربوط به آنها معشوق با شنیدن اوصاف مرد، به وی دل ببازد عاشق شدن با شنیدن اوصاف قهرمان برای شخصیت‌های حماسی شاهنامه که ریشه در اساطیر کهن دارند، باورپذیرتر است تا شخصیت‌هایی مانند کریمان، زرین‌قبا و گرشسب‌ثانی که برای حافظه جمعی جامعه چندان شناخته شده نیستند. «اگرچه چشم عشاق حماسه هم در عاشق شدن آنان دخیل است، اما در دنیای حماسه، گوش یا قوه شنیداری بر دیده و دیدن تقلّم دارد» (حسن‌رضایی، ۱۳۹۵: ۳۷)

۴-۳- واسطه‌گری یا یاریگری دایگان

در فراهم شدن دیدارهای مهرناز و زرین‌قبا، کلال پری که از ملازمان زرین‌قبا است نقش دارد. او در نخستین دیدار از سوی زرین‌قبا پیام دلدادگی وی را به معشوق می‌رساند.

کلال پری را طلب کرد پیش بدین انجمن ره سپر شو چو باد
بدو گفت ای مرهم جان ریش به نزدیک این ماه حوری نژاد
(زرین قبانامه، ۱۳۹۳: ۴۵۶)

کلال پری در دیدار بعدی او با مهرناز نیز همراه زرین قبا است. اما حضورش در داستان در مقایسه با مواردی در شاهنامه همچون پرستندگان رودابه و زال چندان چشمگیر نیست. او تنها به عنوان ملازم و همراه زرین قبا در کنار اوست. (زرین قبانامه، ۱۳۹۳: ۵۳۱). مهرناز نیز نامه‌اش را به واسطه یکی از خدمتکاران خود به زرین قبا می‌رساند.

نوشت و بدو مهر زرین نهاد به دست یکی خادم خاص داد
پژوهنده آن خادم نیک‌رای بیامد به نزدیک زرین قبا
(زرین قبانامه، ۱۳۹۳: ۵۳۰)

خدمتکار حورانه که ملیحه نام دارد، پیام حورانه را به گرشسب می‌رساند و او را به نزد معشوق راهنمایی می‌کند (زرین قبانامه، ۱۳۹۳: ۱۰۹۰). علاوه بر او، کنیزی که پدر حورانه به قصد کشتن گرشسب به دخترش هدیه می‌کند، به گرشسب دل می‌بازد و باعث گریختن او و حورانه به ایران می‌شود.

همه هرچه گفته بدش شهریار به حورانه کرد آن همه آشکار
(زرین قبانامه، ۱۳۹۳: ۱۱۰۱)

گلندام نیز خود بی هیچ مانعی وارد خوابگاه بیژن شده و به او اظهار دلدادگی می‌کند. در ادامه نیز بیژن او را از مهرناز خواستگاری می‌کند و زرین قبا نیز عقد ازدواجشان را می‌بندد. (زرین قبانامه، ۱۳۹۳: ۵۳۶).

در داستان کریمان و مهر زرین نقاب، رستم از طریق دایه مهر زرین نقاب زمینه دیدارشان را فراهم می‌کند. اما همکاری دایه برای اینکه زمینه دیدار دو دلداده را فراهم کند، مشروط است. او در مقابل از رستم می‌خواهد تا پسر و عروسش را که سرخاب دیو ربوده است از چنگ وی آزاد کند.

تو پور و عروسم ز جادو بگیر که آرم برت ماه و مهر منیر
(زرین قبانامه، ۱۳۹۳: ۵۹۶)

به صورت کلی می‌توان گفت که نقش واسطه در عاشقانه‌های زرین قبانامه آنچنانکه در شاهنامه مشاهده می‌شود، چشمگیر نیست. کلال پری با حضور کمرنگش در آغاز آشنایی دو

دلداد، تنها به عنوان فرستنده پیامی را می‌رساند، سمن‌ناز، کنیز حورانه، از آنجا که خودش دلی در گرو گرشسب دارد نقشه سوء قصد پدر حورانه به گرشسب را آشکار می‌کند و دایه مهر زرین‌نقاب نیز با انگیزه شخصی برای نجات فرزندش از چنگ دیو، به دیدار دوباره کریمان و محبوبش کمک می‌کند. کیفیت نقش‌آفرینی یاریگران در زرین‌قبانامه، متأثر از ویژگی ذاتی رمانس‌ها متمرکز بر حادثه است و نه شخصیت. پس طبیعی است که در اینجا صرفاً یاریگری دیگران مهم باشد و کیفیت این یاریگری، نه با ارزش‌های حماسه بلکه به حسب ذائقه فرهنگی عوام در روزگار روایت داستان‌ها شکل بگیرد.

۵-۳- هدفی فراتر از کامجویی

به نظر ذبیح الله صفا «عشق زنان در شاهنامه چنانکه دیده‌ایم اغلب مقدمه وقایع سیاسی و جنگهای بزرگ نیز هست» (صفا، ۱۳۸۷: ۲۵۲). در فراسوی عاشقانه‌های شاهنامه هدفی فراتر از عشق‌ورزی و بهره‌مندی نهفته است که باعث پیوند عمیق ماجرای عاشقانه با سایر بخشهای حماسه و دیگر داستان‌ها شده است. هدفی که به فلسفه ازدواج قهرمان معنا می‌دهد. تولد رستم به عنوان شخصیت داستان ساز شاهنامه از دل پیوند زال و رودابه و گفتار تهمینه خطاب به رستم مبنی بر اینکه می‌خواهد از جهان‌پهلوان فرزندی برومند داشته‌باشد و در ادامه تولد سهراب و سرنوشت شگفتش به خوبی، این هدف‌مندی را نشان می‌دهد.

و دیگر که از تو مگر کردگار نشاند یکی پورم اندر کنار
مگر چون تو باشد به مردی و زور سپهرش دهد بهر کیوان و هور
(شاهنامه، ۱۳۹۴، ج ۱: ۲۶۵)

در داستان زال «تمام تکیه امر بر موجودی است که از زال و رودابه این دو عنصر شگفت طبیعت و جادو، به وجود خواهد آمد» (مختاری، ۱۳۷۹: ۱۲۷). پیوستگی عشق قهرمانان و رخدادهای مهم شاهنامه چنان است که «می‌توان گفت نطفه غمنامه‌های شاهنامه در ازدواج‌های قهرمانان بسته می‌شود» (سرآمی، ۱۳۸۳: ۵۰۱). در عاشقانه‌های زرین‌قبانامه چنین ساختاری نمی‌یابیم. «پایان همه رمانس‌ها خوش است و قهرمان به مقصودش می‌رسد و همه در صلح به سر می‌برند. پیرنگ رمانس سرشار از پیرنگ‌های فرعی است که نه گسترش می‌یابند و نه با طرح اصلی ارتباطی ارگانیک (انداموار) دارند (یاوری، به نقل از هانوی، ۱۳۸۸: ۲۰۲). بیژن بر آن است تا از ماجرای عاشقانه زرین‌قبا و مهرناز برای انتقام از زرین‌قبا و ممانعت از رویارویی

احتمالی او پیش از آمدن رستم با ایرانیان، استفاده کند. از مهرناز می‌خواهد تا زرین‌قبا را به اردوگاهش بخواند باشد که:

به کیخسرو ایدر بود مهرجوی
 دل شه به خاقان به صلح آورد
 نسیازد به ما کینه آن تندخوی
 میان گرد پیکار و کین بسترد
 برآساید از جنگ روی زمین
 نجویند شاهان به هم رزم و کین
 (زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۵۳۰)

از سویی توسط ساقی مهرناز آن‌دو را بی‌هوش می‌کند و نزد کیخسرو می‌برد. در آنجا زال زرین‌قبا را متقاعد می‌کند که تا بازگشتن رستم با ایرانیان نبرد نجوید. ماجرای عاشقانه گلندام هم از آن جهت که در بردن زرین‌قبا به دربار شاه همکاری می‌کند، نقشی کلیدی در داستان دارد اما هردو ماجرای عاشقانه پیوندشان با کلیت کتاب در همین مقطع است و پس از آن تاثیر مستمری در رخدادهای بعدی ندارند. در دو داستان دیگر هم هدفی ویژه جز ازدواج از سوی طرفین مطرح نشده است. با توجه به اینکه پدر حورانه، حمیران عرب، برای گرفتن انتقام پدرش از کیخسرو راهی ایران شده است، تمام رخدادها و تنش‌های بین افراد در ادامه همین مطلب قابل توجیه است و اگر ماجرای عاشقانه حورانه و گرد یاقوت‌پوش به تمامی ندیده گرفته شود هیچ خللی در روند حوادث احساس نمی‌شود. سروش خسرو را از مسلمان شدن سمن خان که یک شاهزاده چینی است خبر می‌دهد و اینکه با دختری از نژاد شاه ازدواج خواهدکرد و حاصل این ازدواج شهنشاه‌زاده‌ای است که با فرزندان جهان‌پهلوان رستم، یار و دوست خواهدبود (زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۱۲۱۰). اما این پیشگویی تا پایان کتاب محقق نمی‌شود.

۶-۳- عیارانه به دیدار معشوق رفتن

دیدار عاشق با معشوق در عاشقانه‌های حماسی، متأثر از فضای عمومی آثار رنگ و بویی متحورانه و عیاروار دارد. «این دیدار اگرچه معمولاً پنهانی و مخفیانه صورت می‌گیرد، لیکن با ابزار و رفتار حماسی درمی‌آمیزد» (استاجی، ۱۳۹۰: ۱۵). در شاهنامه نمونه‌هایی از این گونه را در ورود تهمینه به خوابگاه رستم و فرا رفتن زال از کنگره‌های قصر رودابه می‌توان دید. «در این داستان روح حماسی توأم با عشق در صحنه‌ای از آن نموده می‌شود که زال شبانه به دیدار رودابه می‌رود» (زرمجو، ۱۳۸۱، ج: ۲: ۱۹۱).

زرین‌قبا در اولین دیدار با مهرناز دزدیده او را می‌نگرد و در دیدار بعدی نیز به محض دریافت نامه معشوق لشکرش را به کیوان می‌سپارد و همراه کلال پری به دیدارش می‌شتابد در حالی که هر لحظه احتمال وقوع یک جنگ وجود دارد.

برآراست زرین‌قبا خویش را
روان شد همانگه بر آن نگار
نمی‌دید اصلا پس و پیش را
بین تا چه بازی کند روزگار
(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۵۳۱)

ورود بی‌باکانه گلندام به خوابگاه بیژن یادآور رفتن تهمینه به خوابگاه رستم است.

گلندام چینی شبی همچو ماه
بیوسید دو لعل جان‌پرورش
بیامد به بالین بیژن ز راه...
چه پروانه گردید گرد سرش
(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۵۳۶)

گرد یاقوت پوش برای دیدار معشوق بی‌باکانه به اردوگاه حمیران می‌رود. این درحالی است که حمیران برای نبرد با ایرانیان و خاندان رستم راهی ایران است. با توجه به تنش و دشمنی بین آنها رفتار گردیاقوت پوش رفتاری متحورانه است. بویژه که حمیران از حضور بیگانه نزد دخترش آگاه می‌شود و در پی سوء قصد به او برمی‌آید. کریمان نه تنها برای دیدار مهر زرین‌نقات دست به اقدام بی‌باکانه‌ای نمی‌زند بلکه وقتی به دست نقابی جوان اسیر شد، این همسرش بود که در اردوگاه دشمن وارد شد و خود را پشت خیمه‌ای رساند که کریمان در آن گرفتار بود. او با نكوهش کریمان غیرتش را تحریک می‌کند چنانکه برمی‌خیزد و همه بندها را از تن می‌گسلاند.

خروشی برآورد اندر دمید
همه غل و زنجیر را بردرید
(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۱۱۲۲)

رفتار بیژن در بی‌هوش کردن زرین‌قبا و مهرناز و بردنشان نزد کیخسرو می‌تواند یک رفتار عیاری باشد. در شاهنامه نیز منیژه برای بردن بیژن به کاخ افراسیاب از داروی هوش‌بر استفاده می‌کند (شاهنامه، ج ۲: ۶۴۷). «در داستان‌های فارسی بارها و بارها داروی بی‌هوشی به صورت‌های مختلف برای کمک به عیاران در غلبه بر دشمنان یا اجرای سایر نقشه‌های ایشان مورد استفاده واقع شده است» (محبوب، ۱۳۸۲، ج ۲: ۹۶۰).

۷-۳- اظهار خاکساری عاشق

به نظر شمیسا از جمله مختصات حماسه آن است که «ایزدبانویی یا زنی عاشق قهرمان حماسه

می‌شود اما قهرمان به عشق او وقعی نمی‌نهد» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۷۸). اظهار ضعف و بی‌تابی در دلدادگی برای جهان پهلوان شاهنامه، دور از تصور است. او برای بدست آوردن معشوق خواهشگری نمی‌کند. بلکه با بروز توانمندی‌هایش معشوق را شیفته‌اش می‌کند. در بعضی از داستان‌های زرین‌قبانامه نیز متأثر از آثار حماسی چنین منطقی حاکم است. بیژن زرین‌قبانامه وقتی از دلدادگی گلندام آگاه می‌شود از او استقبال می‌کند گرچه که خود نیز شیفته اوست اما نه تنها در مقابلش ابراز خاکساری نمی‌کند بلکه از گلندام می‌خواهد تا در انتقام‌کشی از زرین‌قبا او را یاری کند. حورانه با اینکه عاشق گرد یاقوت‌پوش است اما از آنجا که خود را یک تاجر معرفی کرده است راضی به عشق ورزی با او نیست. چرا که این کار را متناسب جایگاه اجتماعی خویش نمی‌داند.

ولیکن چه سازم فرومایه‌ای

نداری چه گردنکشان پایه‌ای

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۹۷۶)

گرد یاقوت‌پوش با اینکه به حورانه دل باخته است، آنچنانکه خود حورانه گفته بود، به او پیشنهاد مبارزه می‌دهد چنانچه حورانه پیروز شود او تن به غلامی‌اش بدهد و اگر خود بر حورانه چیره شود، با او پیمان یاری بندد.

وگر من شوم بر تو در رزم چیر
تو گوری و من همچو درنده شیر
به پیمان که باشی همی یار من
کمر تنگ بندی به هر کار من
(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۹۷۸)

اما گاهی عاشقان زرین‌قبانامه برخلاف آنچه در عشق‌های حماسی مرسوم است به اقتضای منطق داستان‌های شهسواری از اشک ریختن و تضرع در مقابل معشوق پروایی ندارند. زرین‌قبا در دومین دیدار با مهرناز، عنان اختیار از کف می‌دهد و بی‌پروا از گریه و بی‌خور و خواب شدنش می‌گوید.

ببوسید پیشش زمین را به مهر
ز هجرانت ای مه قرارم نبود
که چشم بدان دور بادت ز چهر
شب و روز جز گریه کارم نبود
خیال تو در پیش و چشمم به راه (همان: ۵۳۲)

پهلوانان شاهنامه تا این اندازه در مقابل معشوق اظهار خاکساری نمی‌کنند. تفاوت زمانی می‌شود که زال با اینکه بقرار معشوق است نگرانی آبروی خویش را نیز دارد.

همی بود پیچان دل از گفت و گوی مگر تیره گردش از این آب روی

(شاهنامه، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۰۸)

گریه و زاری کریمان پس از اینکه مهر زرین‌نقاب او را ترک می‌کند بیشتر به رفتار عاشقانی چون مجنون مانند است تا پهلوانان عاشق.

کریمان به پایش درافتاد شاد
به لابه زبان برگشود آن زمان
به لابه درآمد کریمان شیر
وزو ماه‌سیما سراندرکشید
رخ خویش بر پای آن مه نهاد
که جانم فدای تو ای مهربان...
که بوسد مگر روی ماه منیر
به تندی بدو کرد گفت و شنید
(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۶۷۵-۶۷۶)

۸-۳- استقلال دختر در تصمیم‌گیری برای ازدواج

اگرچه نخست زرین‌قبا به مهرناز ابراز عشق می‌کند اما دختر، کمترین ضرورتی برای همراهی و رضایت خانواده‌اش نمی‌بیند و حتی پیش از آنکه هویت خود را برای هم آشکار کند، با هم عهد و پیمان زناشویی می‌بندند.

نه من گفتمش نام نه او بگفت
بسودیم با هم به سوگند دست
نام ما ماند اندر نهفت
که سازیم با هم به شادی نشست
(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۵۲۸)

در ماجرای بیژن، گلندام چینی، خود وارد خوابگاه بیژن می‌شود و به او اظهار عشق می‌کند؛ بی آنکه از نقش و نظر خانواده گلندام سخنی به میان آید.

من از عشق تو گشته‌ام خون‌جگر
ز چشم و ز دل گشته‌ام کارم خراب
نداری تو از حال زارم خیر
گهی تن در آتش گهی اندر آب

چه باشد که در دهر یارم شوی انیس دل غمگسارم شوی (زرین قبانامه، ۱۳۹۳: ۵۳۶)

حورانه به گرد یاقوت‌پوش از شرط خود برای ازدواج با کسی می‌گوید که در نبرد بر او
چیره شود. او حتی به سرزمین دشمنش آمده است تا از بین مردانش برای خود همسری که
شایسته خود می‌داند برگزیند و این نشان دهنده آزادیش در انتخاب همسر است.

شنیدم که رستم بود پهلوان نبیره بسی دارد اندر جهان
هرآن کاو مرا بست آن ویم مر او جسم و من همچو جان ویم
(زرین قبانامه، ۱۳۹۳: ۹۷۵)

مهر زرین‌نقاب با اینکه دل به کریمان می‌بازد اما در ابراز آن شتاب نمی‌کند. او به کریمان
می‌گوید چنانچه واقعا خواستار اوست، وی را از پدر بخواهد و از چشمش ناپدید می‌شود
(زرین قبانامه، ۱۳۹۳: ۴۸۱) تا آتش اشتیاق در وجود کریمان شعله‌ورتر شود. در ادامه نیز رستم
او را برای کریمان خواستگاری می‌کند و پدرش بی‌درنگ موافقت می‌کند. (همان: ۶۸۸) در
هیچ‌کدام از داستان‌های مورد نظر دو اثر دختران با کسی جز آنکه خود به همسری برگزیده‌اند
ازدواج نمی‌کنند.

۹-۳- وجود مانع

تقابل و نبرد بین زرین‌قبا و خاقان چین اگرچه یکی از چالش‌های مهم داستان است اما خود
دلیل دیگری دارد. زرین‌قبا دلیل این دشمنی را بت‌پرستی شاه چین بیان می‌کند.

بدو گفت زرین‌قبا کای صنم از آن سازم از کینه دلشان دژم
که بت می‌پرستند روز و شبان ندانند از بن خدای جهان
(زرین قبانامه، ۱۳۹۳: ۵۶۶)

وجود این عنصر می‌تواند متاثر از فضای روزگار سرایش زرین‌قبانامه و تاثیر مؤلفه‌های اسلامی
در اثر باشد. پس از اینکه گلندام چینی به بیژن اظهار عشق می‌کند ظاهراً مشکل خاصی سر راه
بیژن نیست اما او از گلندام می‌خواهد تا برای بردن زرین‌قبا و مهرناز به دربار کیخسرو با وی
همکاری کند و این برای گلندام یک مشکل جدی است.

گلندام چینی سر افکند پیش که چون غدر سازم به بانوی خویش
(زرین قبانامه، ۱۳۹۳: ۵۳۷-۵۳۹)

با اینکه حمیران برای گرفتن انتقام خون پدرش از رستم آمده است اما دلیل مخالفتش با ازدواج حوران و گرد یاقوت‌پوش نکته دیگری است. او مشکل را در یزدان پرست بودن دامادش می‌بیند.

ز یزد پرستان یکی جسته یار
نداند به گیتی مرا کردگار
(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۱۰۹۴)

«در رمانس اسلام نفوذ کرده و ایران قبل از اسلام کم‌رنگ شده است و قهرمان باید برای اعتقادش بجنگد» (یاوری، ۱۳۸۸: ۲۰۳). بین گرد یاقوت‌پوش و لشکر حمیران نبردهای سختی رخ می‌دهد که در نهایت گرد یاقوت‌پوش موفق می‌شود همسرش را به لشکرگاه خود ببرد. کریمان برای رسیدن به معشوق، با دو مانع مواجه است. یکی غیب شدن معشوق و دیگری شرط دایه دختر مبنی بر رها کردن پور و عروسش از چنگ سرخاب دیو که به یاری رستم هردو مانع برطرف می‌شود و آنها باهم ازدواج می‌کنند. (زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۶۸۸) وجود موانع در رسیدن پهلوانان عاشق به معشوق، زمینه‌رخدادهای داستان و کشش لازم را فراهم می‌کند. گره اصلی عاشقانه‌های مربوط به جهان‌پهلوان شاهنامه که پیرامون این موانع شکل گرفته است، عمدتاً متمرکز بر مسائل سیاسی است. هرچند زال هنگامی که دعوت مهراب را نمی‌پذیرد به بت‌پرستی او اشاره‌ای می‌کند (شاهنامه، ج ۱، ۱۳۹۴: ۱۰۷) اما مانع اصلی ازدواجش با رودابه مخالفت منوچهر، شاه ایران است. در زرین‌قبانامه گره اصلی داستان‌های عاشقانه متمرکز بر مسائل دینی است. چنانکه تفاوت دینی گرشسب و زرین‌قبا با پدران معشوق به صراحت بیان شده است. محمدجعفر محجوب معتقد است در داستان‌های عامیانه «رفته رفته جنبه‌های دینی، بر جنبه ملی و قهرمانی و اخلاقی داستان برتری می‌جوید و آن را تحت الشعاع خویش قرار می‌دهد» (محجوب، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۳۶). دل باختن گلندام به بیژن را، از آن جهت که در ضمن داستان زرین‌قبا و مهرناز رخ می‌دهد و از سویی گلندام، از پرستندگان مهرناز است، می‌توان تابعی از آن در نظر گرفت. اما اسلم، پدر مهر زرین‌نقاب که خود مسلمان است و با کریمان اختلاف دینی ندارد با ازدواج دخترش با کریمان هیچ مخالفتی ندارد.

۱۰-۳-آزمون ازدواج

یکی از شاخص‌ترین مؤلفه‌های داستان‌های عاشقانه شاهنامه که در بسیاری از موارد به چشم می‌خورد آزمون و یا شرطی است که عاشق باید برای رسیدن به معشوق به انجام رساند. «آن کسی که آزمون را بر قهرمان تحمیل می‌کند پدر شاهزاده خانمی است که قهرمان دلباخته

اوست» (اسماعیلی، ۱۳۷۴: ۲۲۰). آزموده شدن زال توسط موبدان، کمان کشیدن گشتاسب در دربار قیصر روم و آزمون پسران فریدون توسط سرو از جمله این موارد است. شاید سومین دلیل تهمنه برای ازدواج با رستم را که پیدا کردن رخس رستم است (شاهنامه، ۱۳۹۴، ج ۱: ۲۶۴) بتوان به نوعی آزمونی برای تهمنه عاشق در نظر گرفت. اما به رغم بت پرستی خانواده خاقان چین و ناپسندی آن از نظر زرین قبا، او برای ازدواج با مهرناز با هیچ شرطی مواجه نمی‌شود. مهر زرین نقاب نیز کریمان را نمی‌آزماید. از آنجا که حورانه با کسی ازدواج خواهد کرد که قادر باشد او را بر زمین بزند، گرد یاقوت‌پوش به او پیشنهاد مبارزه می‌دهد. این چالشی است که از سوی دختر برای مرد ایجاد می‌شود و برخلاف داستان‌های شاهنامه، پدر دختر و یا پادشاه در آن نقشی ندارد. در نهایت گرد یاقوت‌پوش با قدرت او را از زین برمی‌گیرد و بر کرسی زر می‌نشانند.

به نیروی مردی برافراشتش
به بالای سر یک زمان داشتش
رخس بوسه داد و به کرسی زر
نشانند آن پری‌پیکر سیمبر
(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۹۸۱)

به طور کلی موانعی که در داستان‌های زرین‌قبانامه از آن یاد شد موانع بزرگ و شرایطی که از سوی پدر دختر و یا پادشاه، به عنوان آزمون سر راه مرد قرار بگیرند نیست و از این جهت با عاشقانه‌های شاهنامه تفاوت اساسی دارند. از آنجا که ازدواج جهان‌پهلوان در شاهنامه، مقدمه رخدادهایی بزرگ در ساختار اثر حماسی فردوسی است و از سویی نیز بنیادی اساطیری دارد، وجود آزمون ازدواج را می‌توان سازه‌ای در پیوند با کاردهای حماسی شخصیت‌های شاهنامه قلمداد کرد اما در زرین‌قبانامه که ساختاری رمانس گونه دارد، این ویژگی عمومیت ندارد.

۱۱-۳- رقیب پرزاد

ازدواج قهرمانان با پرزادگان در متونی چون سمک عیار، فرامرنامه، و بسیاری دیگر از آثار ادب فارسی دیده می‌شود. ازدواج رستم با دختر شاه پریان و زادن فرزندی بنام نریمان پری (انجوی شیرازی، ۱۳۶۹: ۷۱)، نمونه‌ای از وجود این سازه در داستان‌های عامیانه فارسی است. در سه داستان از چهار عاشقانه اصلی زرین‌قبانامه، وجود رقیبی از دختران پریان که با فریب و نیرنگ مردان را اسیر می‌کند، چشمگیر است. سمن‌رخ که نام اصلی او سیماب جادو است پرزاده‌ای است که نزد زرین قبا آمده و خود را فرستاده سلیمان معرفی می‌کند تا او را به نزد پیامبر راهنمایی کند. اما باعث گرفتاری زرین قبا می‌شود و در پی کامجویی از او برمی‌آید.

سمن‌رخ منم پادشاه پری
 از آنت بخوام که یارم شوی
 مرا مهر تو کرده از دل بری
 تو هم بگذر از دخت خاقان چین
 انیس دل غم گسارم شوی
 که چون من نباشد دگر نازنین

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۱۱۵۳)

گرد یاقوت‌پوش (گرشسب ثانی) قصد گرفتن آهوئی زیبا را می‌کند تا به عنوان هدیه نزد شاه برسد اما آهو که پریزاده‌ای حورزاد نام است، او را به کاخ سمن‌رخ می‌کشاند و دختر شاه پریان از او می‌خواهد تا از معشوقش دل بکند و به حورزاد بپیوندد.

از آن، سوی این باغت آورده است
 به گیتی بود نام او حورزاد
 که مهر تو بر وی اثر کرده است
 کنون بگذر از دخت شاه عرب
 به خوبی او کس ز مادر نژاد
 گلندام حورائنه با نسب

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۱۱۴۴)

کریمان نیز در هفت‌منظر به دام ماه‌ناز پری می‌افتد ماه ناز دختر عم سمن‌رخ است که به کریمان دل داده است.

ببینی دگر مهر زرین نقاب
 بود نام من ماه‌ناز پری
 وصالش ببینی همان هم به
 خواب ببینی به خوبی من دلبری

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۱۱۷۶-۱۱۷۷)

در داستان‌های موردنظر شاهنامه قرینه‌چنین سازه‌ای را نمی‌یابیم. ماجرای پریوارگی هویت مادر سیاوش (ن.ک: آیدنلو، ۱۳۸۴: ۳۰)، قدری با موضوع شباهت دارد اما بعد پریوارگی مادر سیاوش در متن شاهنامه چنانکه هویت پریان در زرین‌قبانامه آشکار است، برجسته نیست.

۱۲-۳- مشارکت در عشق

ویژگی قابل توجهی که مشابه آن در عاشقانه‌های شاهنامه دیده نمی‌شود، وجود زنی غیر از معشوق در روابط عاشقانه است که به سبب اینکه دو طرف را از خطر بزرگی می‌رهاند، معشوق او را در کنارش می‌پذیرد. فتنه دختر شهبال، شاه آچین، است که کریمان و رستم را از سوءقصد پدرش آگاه می‌کند و باعث نجاتشان از مرگ می‌شود. او که عاشق کریمان است از مهر زرین‌نقاب می‌خواهد تا او را با خود به ایران ببرد تا پرستاریش کند اما درخواست کامجویی از کریمان را نیز ابراز می‌کند و مهر زرین‌نقاب هم می‌پذیرد.

به پیمان که چون از کریمان تو کام
 بیابی کشی جام وصلش تمام،

به فرمان تو یک شبی پهلوان
چه دید آن چنان مهر زرین نقاب
در آرد به بر نخل عمرم چه جان...
پذیرفت گفتار آن آفتاب
(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۶۸۹)

سمن‌ناز کنیز حورانه است که دل در گرو گرد یاقوت‌پوش دارد و او را از توطئه حمیران، پدر حورانه، مبنی بر کشتن یاقوت‌پوش و معشوقش آگاه می‌کند اما با وی پیمان می‌بندد که از او برخوردار شود.

سمن‌ناز گفتا که پیمان نمای
که هرچت بگویم شوی رام من
زبان را به پیمان گروگان نمای
که هرچت بگویم شوی رام من
که کشته شوی با بت مهربان
وگرنه دریغ آیدم ای جوان
(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۱۱۰۰)

حورانه که گفتگوی آنها را می‌شنود نه تنها مخالفتی نمی‌کند بلکه آن را می‌پذیرد. به خورشید و ماه سوگند یاد می‌کند:

که هر ماه سه شب بود زان تو
نپیچم سر از امر و فرمان تو
(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۱۱۰۰-۱۱۰۱)

۴- نتیجه

داستان‌های عاشقانه زرین‌قبانامه و بخش پهلوانی شاهنامه در چند زمینه با هم شباهت دارند. ارتباط شروع داستان با شکار، دیگرتباری معشوق و استقلال دختر در تصمیم‌گیری برای ازدواج، زمینه‌های مشترک در ساختار عاشقانه‌های دو اثر است. اگرچه دیدارهای عاشقان در زرین‌قبانامه آن شورانگیزی و هیجان شاهنامه را ندارند اما از این جهت که مخفیانه صورت می‌گیرند و با بیم و خطر مقرون هستند با عیاروارگی شخصیت‌های شاهنامه در دیدار معشوق همانندی دارند. مواردی نیز وجود دارد که نشان‌دهنده تفاوت در ساختار عاشقانه‌های زرین‌قبانامه با داستان‌های موردنظر در شاهنامه فردوسی است. از آنجا که ازدواج جهان پهلوان مقدمه رخدادهای اصلی در ساختار شاهنامه است و بنیادی اساطیری نیز دارد، وجود آزمون ازدواج را می‌توان سازه‌ای در پیوند با کارکرد حماسی شاهنامه قلمداد کرد اما در زرین‌قبانامه که غلبه با وجه رمانس است این ویژگی عمومیت ندارد. در عاشقانه‌های مورد نظر در شاهنامه هدفی فراتر از کامجویی نهفته است که با تولد فرزندی متفاوت و رقم خوردن رخدادهای تراژیک و غم‌انگیز مانند سرنوشت سهراب در پیرنگ کلی اثر جایگاهی ویژه دارد اما در

عاشقانه‌های زرین‌قبانامه به اقتضای فرجام خوش‌رمانس‌ها چنین ساختاری دیده نمی‌شود. موانع رسیدن به معشوق در شاهنامه متأثر از فضای حماسی بیشتر سیاسی است اما در زرین‌قبانامه که یک داستان شهسواری و عامیانه است رنگ و بویی دینی پیدا کرده است. ملازمان و دایگان هر چند در هر دو اثر نقش یاریگری دارند اما کیفیت یاری‌رسانی دایگان در زرین‌قبانامه، متأثر از ویژگی‌های ذاتی رمانس‌ها که متمرکز بر حوادثند. اظهار خاکساری عشاق در مقابل معشوق، آشنایی طرفین از طریق چشم‌دیدار مستقیم، وجود رقیبی پریزاده برای معشوق و مشارکت زنی جز معشوق در کامجویی از عاشق، دیگر تفاوت‌های ساختاری عاشقانه‌های زرین‌قبانامه با داستان‌های مورد نظر در شاهنامه است که عموماً به تفاوت ذاتی داستان‌های شهسواری و رمانس‌ها با آثار حماسی بازمی‌گردد.

۵- منابع

- ۱- آیدنلو، سجاد، فرضیه‌ای درباره‌ی مادر سیاوش، نامه‌ی فرهنگستان، ش ۲۷، صص ۲۷-۴۶، ۱۳۸۴.
- ۲- استاجی، ابراهیم، ساختار و ویژگی‌های داستان‌های عاشقانه‌ی حماسی، فصلنامه‌ی درّی، ش ۱، صص ۷-۲۶، ۱۳۹۰.
- ۳- اسلامی ندوشن، محمدعلی، زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه، چاپ نهم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱.
- ۴- اسماعیلی، حسین، داستان زال از دیدگاه قوم‌شناسی، تن پهلوان و روان‌خردمند، به کوشش شاهرخ مسکوب، تهران: طرح نو، صص ۱۷۷-۲۲۴، ۱۳۷۴.
- ۵- امیدسالار، محمود، بوطیقا و سیاست در شاهنامه، ترجمه فرهاد اصلانی و معصومه پورتنقی، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار، ۱۳۹۶.
- ۶- انجوی شیرازی، ابوالقاسم، فردوسی‌نامه (مردم و قهرمانان شاهنامه)، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۹.
- ۷- حسن‌رضایی، حسین و عبدالرضا سیف، بررسی عشق در حماسه با نگاهی به شاهنامه، متن‌پژوهی ادبی، ش ۲۰، صص ۲۹-۴۵، ۱۳۹۵.

- ۸-درزی، نجمه، حسن ذوالفقاری و زهرا بحرینیان، **نقّالی‌های مکتوب له عنوان یک ژانر ادبی در نثر فارسی**، نثرپژوهی ادب فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهیدباهنر کرمان، ش ۴۴، صص ۱۷-۳۶، ۱۳۹۷.
- ۹-رزمجو، حسین، **انواع ادبی و آقار آن در زبان فارسی**، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- ۱۰-_____، **قلمرو ادبیات حماسی ایران**، ج ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۱.
- ۱۱-زربین **قبانامه**، مقدمه تصحیح و تعلیقات: سجاد آیدنلو، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۳.
- ۱۲-سرّامی، قدمعلی، **از رنگ گل تا رنج خار**، ج ۴، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ۱۳-شمیسا، سیروس، **انواع ادبی**، ج ۱۰، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۸۳.
- ۱۴-سنچولی، احمد، **بررسی ساختار داستان غنایی-حماسی زال و رودابه**، پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ش ۲۴، صص ۱۸۹-۲۱۰، ۱۳۹۴.
- ۱۵-شوالیه، ژان، **فرهنگ نمادها: اساطیر، روایاها و ... ترجمه و تحقیق: سودابه فضایی**، تهران: انتشارات جیحون، ۱۳۸۵.
- ۱۶-صفا، ذبیح‌الله، **حماسه‌سرایی در ایران**، ج: چهارم، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۸۷.
- ۱۷-فردوسی، ابوالقاسم، **شاهنامه**، پیرایش جلال خالقی مطلق، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۴.
- ۱۸-محجوب، محمدجعفر، **ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم ایران)**، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: چشمه، ۱۳۸۲.
- ۱۹-**مجمّل التواریخ والقصص**، تصحیح ملک‌الشعرا بهار، تهران: چاپخانه خاور، ۱۳۱۸.
- ۲۰-مختاری، محمد، **اسطوره زال**، ج ۲، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۹.
- ۲۱-یاوری، هادی، **معرفی و نقد کتاب رمانس‌های عامیانه ایرانی قبل از دوره صفوی**، فصلنامه نقد ادبی، ش ۵، صص ۱۹۷-۲۰۸، ۱۳۸۸.